دانشجویان روابط عمومی به کجا می روند

بافکرپور، علی

روابط عمومی یک فن است،هرکس نمی‏تواند ارتباط مؤثر برقرار کند،برای ایجاد این ارتباط احتیاج به زیرکی‏ و شرایطی خاص است،این مهارت را نمی‏توان در هرکس‏ دید.

روابط عمومی کلیدی برای رسیدن به موفقیت در هر زمینه شغلی،خانوادگی و تحصیلی است.

روابط عمومی یک هنر است و هنر عبارت است از«تجلی‏ واکنش و احساسات عقلانی و عاطفی انسان در برخورد با مسائل درون و برون خود به یاری ابزار و وسایل موجود.» روابط عمومی از این جهت هنر است چون تجلی آن‏ احساسات و واکنشهای عقلانی انسان بوسیله ابزاری چون‏ زبان می‏باشد و این زبان دستورات لازم را از مغز دریافت‏ می‏کند که باید از علوم مختلف برای سهل‏تر شدن ارتباط انباشته شده باشد و چون هر هنری یک اثر عینیت مشخص‏ دارد مثل اثر هنر نقاشی که رسیدن به تابلوی زیبا است.اثر هنر موسیقی رسیدن به صدای دلنشین و اثر هنر روابط عمومی را نیز می‏توان رسیدن به هدف موردنظر ارتباط گر که همان اقناع و ترغیب برای منظوری خاص دانست که‏ اگر مانند تمامی هنرها دارای خلاقیت نباشد،ارتباطات به‏ هدف خود نخواهد رسید.

با این تعریف روابط عمومی برای کمک به هرشخص، گروه،ارگان یا سازمان لازم است تا آنان بهتر به‏ اهدافشان نزدیک شوند.

ولی فکر می‏کنید که چرا روابط عمومی در تشکیلات‏ دولتی و سازمانهای خصوصی در جایگاه واقعی خود قرار ندارد؟چرا روابط عمومی که باید یکی از ارکان مهم‏ سازمان باشد در انتهای جدول طبقاتی سازمان قرار دارد؟ چرا هیچ سازمان دولتی یا خصوصی،ارزشی را که باید به‏ این بخش بدهند نمی‏دهند؟

پاسخ در واحدهای درسی است که برای این رشته در دانشگاه قرار داده‏اند،هیچ ارتباطی با شغل یا حرفه‏ای که‏ در آینده یک کارشناس روابط عمومی که ادعا می‏کند باید در تصمیم‏گیری سازمان دخالت کند،ندارد.

یک کارشناس روابط عمومی دانش حرفه‏ای لازم را نمی‏داند،به همین علت وقتی تحصیلات خود را به پایان‏ می‏رساند و بعنوان مسئول روابط عمومی مشغول‏ کار می‏شود،نمی‏داند چه باید بکند و ناخودآگاه بسوی‏ کارهای اجرایی سازمان یا کارهای تدارکاتی و خدماتی‏ سوق پیدا می‏کند و عملکردش کارهایی مثل تدارک مراسم‏ سخنرانی‏ها،جشنها،سوگواری‏ها و...می‏شود.همین‏ اندیشه او را به عملکردهای خدماتی(به علت عدم‏ توانایی حرفه‏ای)وا می‏دارد و چون می‏بیند که کار او توسط افراد غیر متخصص نیز می‏تواند انجام شود،دچار سرخوردگی در سازمان می‏شود و به دنبال حقوق واقعی و اصلی خود نمی‏رود و اعتماد به نفس خود را از دست‏ می‏دهد و روابط عمومی را به اعماق یک سازمان فرو می‏برد.

اکثر واحدهای درسی دوره کارشناسی روابط عمومی هیچ‏ کاربرد علمی یا عملی ندارند.مثلاً درسی بنام مدیریت‏ روابط عمومی که به‏عنوان یک درس سه واحدی تدریس‏ می‏شود.

اگر قرار است در این درس مدیریت در بخش روابط عمومی را به دانشجو بیاموزد آیا به سه واحد درسی می‏توان حرفه‏ای را به دانشجو آموخت که در دنیای کنونی‏ حتی در ایران از این رشته دکترا دریافت می‏شود،مطمئناً به سه واحد درسی نمی‏توان یک مدیر روابط عمومی شد. یا درس روان‏شناسی که این درس در شش واحد ابتدا بصورت مبانی،سپس بصورت درسی بنام روانشناسی‏ اجتماعی آموخته می‏شود.در بخش مبانی روان‏شناسی در مورد انواع بیماریهای روانی و کلاً پایه و اساس ابتدایی‏ علم روان‏شناسی صحبت می‏کند و در قسمت روان‏ شناسی اجتماعی در مورد یکسری تعاریف کلی روان‏ شناسی اجتماعی مثل گروه،همبستگی و نظریه‏های کلی‏ جامعه‏شناسی بیان می‏شود که این واحد با درس روان‏ شناسی رشته‏های مددکاری اجتماعی و روزنامه‏نگاری‏ دارای دو فصل مشترک است.با این حساب ما چگونه‏ می‏توانیم از یک کارشناس روابط عمومی انتظار داشته‏ باشیم در امر ارتباطات اجتماعی شخص موفقی باشد او باید علمی را بیاموزد تا بتواند ماهیت،روان و خصوصیات فرد مخاطب را به خوبی یا تا حدودی درک‏ کند تا در ایجاد ارتباط موفق عمل کند.

واحد دیگری که در این رشته تدریس می‏شود و برای یک‏ ارتباطگر اهمیت فراوانی می‏تواند داشته باشد علم‏ سیاست است،این درس نیز مثل اکثر دروس رشته روابط عمومی سرفصل مشترکی با دروس علم سیاست رشته‏ روزنامه‏نگاری دارد همین امر باعث شده در یازده واحدی‏ که یک کارشناس روابط عمومی در علم سیاست‏ می‏گذراند در واقع نگاه روزنامه‏نگارانه به این علم را می‏آموزد نگاه کارشناس علم ارتباطات.

دروسی دیگر نیز برای این رشته پیش‏بینی شده است که‏ در ظاهر بسیار مفید است ولی پایه و اساس آن هیچ‏ فایده‏ای برای یک دانشجو ندارد و جز وقت‏گیری ارمغان‏ دیگری برای او به همراه نمی‏آورد،یکی از این دروس‏ ارتباطات شفاهی است که از یک واحد عملی و یک واحد نظری تشکیل شده است و جالب‏توجه این است که‏ دانجویان دانشگاه آزاد هزینه زیادی را برای آن یک‏ واحد عملی پرداخت می‏کنند و پس از پایان ترم متوجه‏ نمی‏شوند چگونه و چه وقت از آن یک واحد عملی‏ استفاده کرده‏اند.اگر ماهیت این درس تقویت ارتباطات‏ شفاهی در یک دانشجوی روابط عمومی است آیا بصورت نظری می‏توان یک کاری که صرفاً عملی است را به کسی آموخت.آیا بهتر نیست این عمل«ارتباطات‏ شفاهی»طی دوران تحصیل کم‏کم و توسط تجربه یا انجام‏ کنفرانسهای کلاسی انجام شود.نکته مهمی که وجود دارد این است چون ارتباطات شفاهی عملی نیست که بتوان‏ بصورت یک واحد نظری و یک واحد عملی به دانشجو آموخت.اساتید این درس ناخواسته به مسائل حاشیه‏ای‏ سوق پیدا می‏کنند مثلاً عنوان می‏شود وقتی می‏خواهید در یک جمع سخنرانی کنید ابتدا نفس عمیق بکشید به مقدار لازم آب بخورید،لباس مرتب بپوشید،لبخند بزنید و... آیا این اعمال آنقدر مهم و جای بحث دارد که بخواهد در طول یک ترم و ان هم بصورت نظری آموخته شود؟

در این رشته دروسی نیز می‏توانست وجود داشته باشد که‏ در آینده عصای دست یک کارشناس باشد مثلاً واحدهای‏ فراگیری علوم کامپیوتری در رشته روابط عمومی اصلاً قرار داده نشده در جایی که قرن بیست و یکم قرن ایجاد ارتباط و تبادل اطلاعات با شبکه‏های مختلف کامپیوتری‏ است مشخص نیست کارشناسان روابط عمومی در قرن‏ آینده با پیشرفت علوم کامپیوتری چگونه می‏خواهند ایجاد ارتباط و تبادل اطلاعات بکنند؟

یکی از اعمال بسیار مهم ارتباطگر انجام تحقیق و پژوهش آماری است که می‏تواند شغل و حرفه اصلی یک‏ کارشناس روابط عمومی‏باشد.

اگر ما صدها سال هم در مورد مسائل و مشکلات روابط عمومی سمینارها،همایشها و مقالات مختلف بنویسیم یا ترتیب دهیم هیچ تغییری ایجاد نخواهد شد مگر پایه یا اساس این رشته در دانشگاهها ترمیم شود و این رشته از وابستگی به رشته روزنامه‏نگاری جدا شود و تبدیل به‏ یک رشته مستقل با دروس مستقل گردد.